

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هشتادم

زمستان ۱۳۹۸

خدابانوان عربی در منابع پیشاقرآنی: ماهیت، کارکرد و خاستگاه

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۸

زهرا محققیان^۱

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های فهم تاریخ صدر اسلام، به‌خصوص برای شناخت دلالت بسیاری از آیات قرآن کریم، آگاهی از باورهای فرهنگی و تاریخی اعراب در دوران پیش از ظهور اسلام است. باوجود پیدایش دانش‌های جدید و آورده‌های ارزشمند ایشان در ارتباط با دوران باستان، به نظر می‌رسد که فهم ما از بسیاری از دلالت‌های تاریخی آیات قرآن، دارای کاستی و ابهام است. مقاله حاضر، با هدف نشان دادن نمونه‌ای از پژوهش‌های ضروری در این زمینه، بر آن است به موضوع خدابانوان عربی با تکیه بر سه الهه: منات، لات و عزی پردازد و با کمک منابع پیشاقرآنی و شواهد عینی باقیمانده از جزیره‌العرب در پیش از ظهور اسلام، به پرسش‌هایی در این زمینه، مانند: چیستی این الهه‌ها، مهم‌ترین کارکردها، صفات و القاب آنها، پیشینه تقدیس و مناطق اصلی پرستش آنها پاسخ دهد. مجموعه واکاوی‌های باستانی و تاریخی نشان می‌دهند این خدابانوان، الهه‌های واردشده از سرزمین‌های مجاور شبه‌جزیره بودند که فراتر از ماهیت سنگی یا چوبی‌شان، کارکردهای مختلفی داشتند و در سطحی گسترده

۱. استادیار پژوهش‌کننده مطالعات قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

سرتاسر جزیره‌العرب تقدیس و تنزیه می‌شدند.

کلیدواژگان: خدایان عربی، لات، منات، عزی، کتیبه‌شناسی، منابع باستانی.

۱. مقدمه

مطالعه انگاره‌های جاهلی بازتاب‌یافته در قرآن کریم، یکی از حوزه‌های علمی در پژوهش‌های قرآنی و تفسیری است که کارهای بسیاری درباره آن صورت گرفته است. با این حال، پژوهشی مستقل در خصوص خدایان عربی کمتر انجام شده است. ما در این مطالعه، بر آن هستیم برخی از این خدایگان، یعنی الهه‌هایی مانند: منات، لات و عزی را که در قرآن کریم یاد شده‌اند، واکاوی کنیم و موقعیت و جایگاه ایشان را در دوران پیش از ظهور اسلام و اوایل ظهور آن به بحث و بررسی بگذاریم. به طور قطع، آشنایی با این تاریخ، مقدمه‌ای برای درک بهتر آیات مربوطه است و فهم و درک ما را از چالش‌ها و گفتمان‌های مرتبط با این اسامی در سنت اسلامی و غیر اسلامی روشن‌تر می‌سازد. همچنین، این شناخت، مانع بسیاری از بدفهمی‌های احتمالی درباره دین مشرکان می‌گردد و در پی آن، برداشت‌ها و نتایج نادرست را تا حد زیاد تصحیح می‌نماید. افزون بر این، یافته‌های این تحقیق می‌تواند معیاری برای ارزیابی منابع متقدم اسلامی و تفاسیر نخستین به شمار آید.

۲. طرح مسئله

اسامی منات، لات و عزی، نام‌هایی مقدسی در میان اعراب جاهلی هستند که تنها یک بار به‌صراحت در قرآن کریم یاد شده‌اند. در سوره نجم درباره این اسامی آمده است:

أَفْرَاءُ يُتِمُّ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۖ وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةَ الْآخِرَىٰ ۗ أَلَا كُمْ الذِّكْرُ وَكَلَةَ الْأُنثَىٰ ۙ

مطابق آنچه منابع اسلامی نوشته‌اند (ر.ک: کلبی، ۲۰۰۰، ص ۱۹)، در سایر آیات قرآن مانند: آیه صد سوره انعام، آیه شانزده سوره زخرف، آیه پنجاه و هفت سوره نحل و بسیاری آیات دیگر، با عنوان کلی بنات الله از این اسامی یاد شده است. افزون بر این آیات، آیات دیگری نیز هستند که صراحت در این اسامی ندارند؛ اما بر اساس آنچه در تفاسیر دیده می‌شود (ر.ک: مقاتل بن سلیمان: ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸)، به طور تلویحی به ایشان اشاره دارند.^۲

بدیهی است که فهم دقیق این آیات، بدون شناخت ماهیت و جایگاه این خدایگان در میان اعراب جاهلی و درک خصایص و کارکردهای ایشان در دوران پیش از ظهور اسلام، فهمی کامل نیست. هم‌چنین، روش رویارویی قرآن کریم با ایشان و ابعاد طردشان در جهان‌بینی توحیدی قرآن نیز به‌خوبی آشکار نخواهد شد. به همین دلیل، اولین گام در تفسیر این آیات، آشنایی با هویت باستانی این خدایگان در منابع باستانی و شواهد عینی برجای مانده از آن دوران، مانند: کتیبه‌ها، الواح، سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌ها و حکاکی‌های مختلف است.

مهم‌ترین پرسش‌های ما در این پژوهش، عبارت‌اند از: منات، لات و عزی در منابع باستانی مرتبط با پیش از ظهور اسلام چه کسانی هستند و چه ماهیتی دارند؟ مهم‌ترین کارکردها، صفات و القاب ایشان کدام است؟ دیرینه تقدیس ایشان چقدر است؟ و اصلی‌ترین مناطق و مراکز تقدیس ایشان در عربستان باستان کدام است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها ابتدا ظهور هر یک از این سه نام را در منابع باستانی و انواع و اقسام رواج اسامی ایشان را بررسی می‌کنیم. سپس، با واکاوی صفات و القاب هر کدام از آنها، کارکردشان را در دوران پیش از

۱. همان.

۲. نساء: ۱۱۷؛ سبأ: ۴۱-۴۰.

ظهور اسلام مطالعه خواهیم کرد. در نهایت، به بحث درباره خاستگاه مکانی و دیرینه زمانی هریک می‌پردازیم.

گفتنی است که شواهد عینی مورد بررسی در این مقاله، بیشتر از مناطق شمالی و شمال غربی شبه‌جزیره عربستان مانند: منطقه قدیمی ددان^۱، نبط^۲، پالمیر^۳ و دیگر مناطقی به دست آمده‌اند که در مسیر راه‌های تجاری بزرگ و پُرفرت‌وآمد قرار گرفته بودند. هم‌چنین، در مناطق جنوبی عربستان، کتیبه‌ها و شواهد عینی به دست آمده از مناطقی مانند: مَعین^۴، سبأ^۵ و حمیر^۶، به شناخت هویت و جایگاه این خدایان یاری می‌رسانند. از اوایل قرن نوزدهم میلادی، به یاری رشد دانش زبان‌شناسی و افزایش توانمندی‌های علم باستان‌شناسی در مطالعه این شواهد، شناخت ما از این خدایان افزایش یافته است و آثار متعددی درباره آنها نوشته شده است. افزون بر این، در مقام مقایسه این شواهد عینی با مکتوبات پیشاقرآنی، یعنی متون کهن که بیشتر هم به زبان‌های باستانی رومی یا یونانی هستند، این مکتوبات اطلاعات کمی در اختیار ما می‌گذارند و به همین دلیل، چندان راهگشای ما در شناخت ماهیت این خدایان نیستند. چنین منابعی، به شکل متون ادبی اساطیری، حماسه‌ها، اشعار و مناسک که می‌توانستند عقاید دینی مردمان عربستان را در پیش از ظهور اسلام برای ما روشن سازند و تصویری روشن از دیانت مردمان این منطقه به ما بدهند، حفظ نشده‌اند. از این‌رو، بیشتر این منابع، اطلاعات چندانی در اختیار ما قرار نمی‌دهند^۷ و کمتر می‌توانند ما را در شناخت ماهیت، القاب و صفات این دختران کمک

۱. (در جنوب شرقی تیماء و شمال مدینه امروزی، پایتخت دولت لحيان بود) Dedan.

۲. Nabat (شهری در جنوب فلسطین).

۳. Palmy (شهری در حد فاصل دمشق و حمص در سوریه).

۴. Ma'in (شهری در غرب صنعا، پایتخت کنونی یمن).

۵. Saba' (جنوب یمن امروزی).

۶. Himyar (شهر صنعتی امروزی).

۷. Robin. 2001. V.5. P.85.

کنند. بنابراین، چندان در این نوشتار بررسی نخواهند شد و واکاوی آنها را به پژوهشی دیگر وامی نهیم.

۳. پیشینه تحقیق

در سالیان اخیر، تحقیق درباره موقعیت عربستان در پیش از ظهور اسلام، افزایش یافته است و آثار مختلفی پیرامون دین مشرکان به چاپ رسیده است. با این حال، کمتر پژوهشی به طور مستقل به بررسی خدایان مشرکان پرداخته است و به طور خاص، کمتر نگارشی درباره منات، لات و عزی به عنوان الهه‌های عربی نوشته شده است.

به عنوان یک نمونه از آثار فارسی این حوزه، می‌توان به پژوهش‌های محققان اشاره کرد که در برخی مقالات خویش، پاره‌ای از خدایان مشرکان مانند: خدایگان مرتبط با زمین، آسمان، ماه، خورشید و ستارگان را با رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی در قرآن کریم پیگیری کرده است^۱ و در برخی دیگر، به طور خاص، بنات الله یا دختران خداوند را به بحث و بررسی گذاشته است.

به عنوان نمونه، او در مقاله‌ای می‌کوشد روش‌ها و منابع مختلف برای بازسازی انگاره بنات الله را معرفی کند. محققان در این مقاله، دانش‌های مختلفی همچون: زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ، انسان‌شناسی فرهنگی، اسطوره‌شناسی تطبیقی و مطالعات عهدین را مهم‌ترین دانش‌های آکادمیک عصر حاضر برای بازسازی انگاره بنات الله معرفی می‌کند. او در ذیل این مقاله، هم‌چنین مهم‌ترین آثار و تحقیقات نگاشته‌شده ذیل هر دانش را که با انگاره بنات الله مرتبط هستند، معرفی کرده است. به همین دلیل، تحقیق او به لحاظ

۱. برای نمونه رک: محققان، «تحلیل کهن الگویی رؤیای حضرت یوسف (ع) بر پایه نمادها و اسطوره‌های اقوام سامی»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۵؛ همو، «الف، کهن الگویی وصلت مینوی در قرآن کریم»، نقد ادبی، شماره ۴۵.

گسترده‌گی منابع، به‌روزبودن و نگاه حلقوی به علوم مختلف، منبعی مناسب برای پژوهشگران این حوزه به شمار می‌آید.^۱

محققان در مقاله‌ای دیگر می‌کوشد که به بازخوانی انتقادی منابع سنتی مسلمانان در معرفی این خدایانوان بپردازد و جهات تضاد این منابع را با شواهد قرآنی آشکار سازد.^۲ او در مقاله‌ای دیگر، ارزش‌گذاری جنسیتی منات، لات و عزی را در قرآن کریم واکاوی می‌کند و رابطه میان جنسیت و تقبیح این الهه‌ها را در قرآن کریم بررسی می‌نماید.^۳

مطالعه پیش رو را باید گامی در امتداد کوشش‌های پیشین محققان دانست. در این پژوهش می‌خواهیم با تمرکز بر منابع پیشاقرآنی و شواهد عینی برجای‌مانده از اعراب باستان، ماهیت هر یک از منات، لات و عزی را در نزد مشرکان بررسی کنیم و خاستگاه دیرینه تقدیس ایشان را در دوران پیش از ظهور اسلام بیابیم. گفتنی است، اصلی‌ترین پژوهش‌ها در این قسمت، متعلق به باستان‌شناسانی است که در قرون اخیر به مطالعه کتیبه‌ها و شواهد عینی باقیمانده از عربستان پیشااسلام پرداخته‌اند و در این بین، خدایانوان عربی را نیز مورد اشاره قرار داده‌اند. برای معرفی مهم‌ترین این آثار می‌توان به تحقیقات باستان‌شناسانی مانند: ویننت، دریجورس، جان هیلی، آلیاس و کریستن ژولین روبن اشاره نمود که تحقیقات ارزشمندی را از کتیبه‌های مناطق شمالی و جنوبی عربستان به دست داده‌اند.

از سویی دیگر، اگرچه سالیان درازی از رواج مطالعات باستان‌شناسی عربستان می‌گذرد، اما به نظر می‌رسد که این بحث‌ها کمتر در مطالعات اسلامی بازتاب یافته است یا برای تحلیل متن قرآن کریم استفاده شده است. تنها معدودی از پژوهشگران عرب به این‌گونه

۱. Mohagheghian, *The Daughters of Allah: Sources and Methods for a Historical Reconstruction*, forthcoming.

۲. Mohagheghian, *The Daughters of Allah in the Muslim traditional material*, forthcoming.

۳. ر.ک: محققان، *بنات الله و چالش ارزش‌گذاری جنسیتی ایشان در قرآن کریم*، ص ۵۱-۸۱.

منابع توجه کرده‌اند و از چنین آثاری، در قالب معرفی تاریخ عرب قدیم بهره برده‌اند. افرادی از قبیل: توفیق فهد، عزیز العظمه، سلیم حوت، جواد علی، عبدالمعید خان و محمود شگری آلوسی، از جمله این محققان هستند که با کمک منابع پژوهشگران اروپایی، آثار مختلفی به زبان‌های: عربی، انگلیسی و فرانسوی در این حوزه نوشته‌اند.

به طور خاص، در فضای آکادمیک ایران، کمتر مطالعه‌ای درباره موقعیت پیشاقرآنی خدایگان عربی می‌توان بازشناخت که در آن کوششی برای بازشناسی ماهیت این خدایان، کارکرد آنها، دیرینه و خاستگاه ایشان در دوران پیش از ظهور اسلام صورت گرفته باشد. به همین دلیل، مطالعه پیش رو را می‌توان پیش‌گام این مسیر دانست. در این پژوهش می‌خواهیم بدانیم ماهیت این الهه‌ها در این‌گونه شواهد چیست؟ آیا این اسامی در نزد مشرکان، ماهیت الوهی و انتزاعی داشتند یا تنها بت‌ها و مصنوعات دست‌ساخته بودند؟ مهم‌ترین القاب، صفات و کارکردهای ایشان در میان اعراب جاهلی چیست؟ در کدام نواحی مورد تقدیس بودند؟ و دیرینه تقدیس ایشان بر اساس شواهد عینی چقدر است؟

یافته‌های این پژوهش می‌تواند معیاری برای ارزیابی منابع متقدم مسلمانان به شمار آید و میزان انطباق آنها را با حقایق عینی به اثبات رساند.

۴. منات در منابع پیشاقرآنی

یکی از دختران خداوند، به گمان مشرکان، «منات» نام داشت که در قرآن کریم از او یاد می‌شود.^۱ بر اساس تحقیقات باستان‌شناسان، نام منات و ترکیبات آن، بیشتر در کتیبه‌های مناطق شمالی عربستان قابل مشاهده است و کمتر در میان اعراب جنوبی مشهور بوده است. با مطالعه این‌گونه شواهد، می‌توان مهم‌ترین اطلاعات پیرامون منات را به شرح ذیل دانست.

۱. نجم: ۲۰.

۴-۱. واژه «منات» در کتیبه‌ها

ویننت^۱، باستان‌شناس و زبان‌شناس کانادایی (۱۹۰۳-۱۹۸۹م)، معتقد است که اولین ارجاعات به منات، در کتیبه‌های مناطق شمالی شبه‌جزیره دیده می‌شوند. کتیبه‌های شهر ددان و متون و کتیبه‌های لحيانی، اصلی‌ترین و مهم‌ترین مناطقی هستند که نام منات در آنها به صورت نام‌های ترکیبی مانند: عبد منات، زید منات و اوس منات دیده می‌شود و از شهرت منات در این مناطق خبر می‌دهد.^۲ او بر اساس همین شواهد نتیجه می‌گیرد که منات در اصل، خدایانویی عربی بوده است و تلفظ عربی آن به صورت منات، اصل است.^۳ تئودور نولدکه^۴، خاورشناس آلمانی تبار (۱۹۳۰-۱۸۳۶م)، قدیمی‌ترین کتیبه‌ای را که از نام منات یاد می‌کند، کتیبه‌ای در نبط و کتیبه‌ای لاتینی می‌داند. بر اساس گزارش او، منات در این دو کتیبه، به صورت منایا^۵ که اسمی جمع منیه است، بیان می‌شود.^۶

بر اساس تحقیقات توفیق فهد^۷، یکی از قرآن‌پژوهان معاصر، نام منات به صورت حروف هجی «م - ن - ت»^۸ در کتیبه‌های لحيانی، و به صورت «م - ن - و - ت (او)»^۹ در کتیبه‌های نبطی دیده می‌شود. به همین دلیل، منات تلفظی دوگانه دارد؛ یعنی در میان

۱. Frederick Victor Winnett.

۲. Winnet. 1940. Pp.116- 120.

۳. See: Winnet. 1940. Pp.119- 120.

۴. Theodor Nöldeke.

۵. Manaya.

۶. Noldeke. 1908. V.1. P 661.

۷. Tofigh Fahd.

۸. M-n-t.

۹. M-n-w-t-(u).

لحیانی‌ها، منات خوانده می‌شده است و در میان نبطی‌ها، با نام منوت یا منوتو مشهور بوده است.^۱ او بر اساس این شواهد می‌نویسد:

منات برخلاف آنچه ویننت معتقد است، یک واژه آرامی است که مفردش، مناواتا^۲ است و مفرد مفردش، مناتا^۳ است. بر همین اساس، نمی‌تواند در اصل خدایانوی عربی باشد و باید از مناطق مجاور در میان اعراب وارد شده باشد.^۴

این در حالی است که ویننت، منوت را تنها یک شکل آرامی — نبطی متأخر می‌داند و تغییر خوانش او را یک حادثه طبیعی معرفی می‌کند.^۵ در کتیبه‌های ثمودی^۶ که مرتبط با اعراب شمالی هستند و نمونه‌ای از تکامل خط لحیانی به شمار می‌روند، معدود نام‌های مرتبط با منات دیده می‌شود.^۷

۱. Fahd. 1991. V. 6. Pp. 373-374.

۲. Menawata (mnwt).

۳. Menata.

۴. Fahd. 1991. V. 6. Pp. 373-374.

۵. See: Winnet. The Daughters of Allah . Pp.119- 120.

۶. ثمودی، اصطلاح بی‌مسمای امروزی برای همه انواع خطوط کتیبه‌های باستانی شمال عربستان است که به خط یا گویش خاصی اشاره نمی‌کند. این نام، قراردادی است و هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد کتیبه‌های موجود با قبیله ثمود ربط دارند. متون گوناگونی که به خط ثمودی کشف شده است، مربوط به سرحد شمالی، یعنی حوران سوریه است و منتهی‌الیه جنوبی آن، رملة السبعین / رمله سبتین در یمن مرکزی است و از مغرب عراق تا مصر علیا امتداد دارد؛ اما این کتیبه‌های ثمودی، در مناطق حجر و تیما به دست آمده‌اند و مربوط به دوران قرن پنجم تا قرن چهارم میلادی هستند (حتی، تاریخ عرب، ج ۱، ص ۹۰؛ ضیف، العصر الجاهلی، ص ۱۳۰).

۷. See: Winnet. The Daughters of Allah . P.117; Longdon. The Mythology of all races: Semitic. P. 20;

همچنین، نام منات در کتیبه‌های نبطی گویا به صورت «م ن و ت و»^۱ یا «م ن و ت و» مشهور بوده است.^۲ مؤید این امر، اسامی ترکیبی با این حروف هجی است که در قالب نام‌های دینی^۳، مانند: وهب منات، زید منات، عبد منات و تیم منات دیده می‌شود. اسپرلینگ بر مبنای این شواهد، بسیار محتمل می‌داند که منات نبطی، همان مناتی باشد که در قرآن بیان شده است.^۴

در کتیبه‌های مربوط به عربستان جنوبی، هیچ ظهوری از منات یا سایر مشتقات آن دیده نمی‌شود. در حال حاضر، تنها یک اشاره در متنی مربوط به معین که به قرن پنجم پیش از میلاد بازگشت دارد، وجود دارد. این ارجاع که از تمام منابعی که در جاهای دیگر یافت می‌شوند، قدیمی‌تر است، نشان می‌دهد که منوت^۵، از خدایان رگمت^۶ در نجران باستان بوده است. به همین ترتیب، نام منوت چندین بار در چند کتیبه مربوط به منطقه نجران به طور مکرر به چشم می‌خورد.^۷ قدمت این کتیبه، از کتیبه‌های مناطق شمالی عربستان، بیشتر تخمین زده می‌شود؛ اما با توجه به شیوع نام منات در کتیبه‌های شمالی و سایر شواهد، نظر رایج در میان برخی محققان آن است که خاستگاه و موطن عربی

حتی، تاریخ عرب، ج ۱، ص ۹۱.

۱. Mnwtw.

۲. See: Sperling. . MENI or Fortune . Dictionary of Deities and Demons in the Bibl. Pp. 667-668; Fahd, Manat, Encyclopaedia of Islam, V.6. P373.

۳. Theophoric.

۴. See: Sperling. . MENI or Fortune. Dictionary of Deities and Demons in the Bibl. Pp. 667-668.

۵. Manawt.

۶. Ragmat.

۷. See: Robin, south Arabia . Encyclopedia of Quran. V.5, p.88; Al-Azmeh, 2014, p. 180.

خدابانوی منات، منطقه شمال، به ویژه منطقه ددان بوده است. سپس، از مناطق شمالی به مناطق جنوبی شبه جزیره منتقل شده است.^۱

۲-۴. کارکرد منات در کتیبه‌ها و تناظرهایش در اقوام مجاور

در کتیبه‌های یونانی - رومی شمال عربستان، منات با آینده ارتباط دارد. در یک سنگ در منطقه پالمیر، او بر عصایی سلطنتی تکیه داده است و در او حالت و رفتارهای خدایانوی نمسیس^۲، خدایانوی سرنوشت دیده می‌شود.^۳ شکل این شاهد سنگی، محتمل می‌سازد که نام‌های مناتو^۴، مینی^۵ و منات یکی هستند و هر سه بر یک امر دلالت دارند.^۶ این در حالی است که میثائیل مکدونالد^۷ (۲۰۱۲م)، باستان‌شناس فرانسوی معاصر، درباره کارکرد منات و دیگر خدایانوان حرفی نمی‌زند؛ اما با چنین انتسابی مخالف است و معتقد است که هیچ دلیلی برای انتساب چنین نقاشی‌هایی به الهه‌های عربی نمی‌توان یافت.

ویننت به صورت احتمالی، منات را در میان نبطی‌ها، به عنوان خدایانوی سرنوشت مطرح می‌کند.^۸ تکسیدر، یکی از باستان‌شناسان فرانسوی معاصر (۱۹۳۰-۲۰۱۷م)، بر این باور است که در کتیبه‌های نبطی، منات به عنوان خدایانوی که به پرستندگان

۱. See: Winnet. 1940. P.119.

۲. Nemesis.

۳. Fahd, Manat, Encyclopaedia of Islam, V.6. P373.

۴. Manutu.

۵. Meni.

۶. See: Sperling. MENI or Fortune . Dictionary of Deities and Demons in the Bibl. P 668.

۷. Macdonald.

۸. See: Winnet. 1940. Pp 119- 120.

خویش، هدایایی تقدیم می‌دارد و بر بخت و اقبال ایشان ریاست دارد، به تصویر کشیده شده است.^۱

نام منات و مشتقات آن در کتیبه‌های ثمودی، زیاد دیده نمی‌شود؛ اما اسم جمع *gadde* که به معنای خدایان سرنوشت یا آینده^۲ است، دیده می‌شود. برخی منابع معتقد هستند که *gd*^۳، نامی شخصی است که به معنای سرنوشت و آینده یا بخت ترجمه می‌شود. در این متون می‌توان ارتباطی میان منی^۴ و تیخ^۵، خدایانوی سرنوشت و اقبال در یونان یافت که مشابه *gd* است.^۶

گفتنی است در کتاب اشعیای نبی، منات با *gd* هم‌نشین شده است.^۷ هم‌چنین، بر اساس برخی از تحقیقات، منات در میان اعراب جنوبی، همراه با خدای *gd* و سرنوشت پرستیده می‌شده است. بر همین اساس، احتمالاً منات با این خدا مشارکت داشته است.^۸

۱. Teixidor, *The Pantheon of Palmyra*. P.17.

۲. gods of fortune.

۳. Gad.

۴. Meni.

۵. Tyche.

۶. See: Sperling, *MENI or Fortune*. *Dictionary of Deities and Demons in the Bible*, P. 668; Christides, *Religious Syncretism in the Near East: Allāt-Athena in Palmyra*, P. 69.

۷. ر.ک: اشعیای ۱۱: ۶۵.

۸. See: Winnet. 1940. P 119.

از نظر هاوتینگ^۱، یکی از اسلام‌پژوهان معاصر، این که منات با خدای سرنوشت یکی باشد، محتمل است که از ریشه عربی «م ن ی / و»، یعنی منو یا منی فهمیده شود و شواهد نبطی‌ها و منابع لاتین در ظاهر به یک اسم جمع اشاره دارند. او در این باره می‌نویسد:

در دوران باستان کلاسیک، سرنوشت به مثابه یکی از سه خدایان

تلقی می‌شد.^۲

مونتگمری وات^۳ در این باره می‌نویسد:

منات با وجود شباهت نامش به منایا و سرنوشت، در اصل خدایانوی

سرنوشت نبوده است. سنگ موجود در مرکز حرمش، این احتمال را ایجاد می‌کند

که او یک خدای کشاورزی است؛ چنان‌که نام‌هایی مانند زید منات، چنین

فرضیه‌ای را تقویت می‌کنند.^۴

او معتقد است، نام‌هایی مانند «زید منات» به معنای امید که منات آن را افزایش دهد، یا «اوس منات» به معنای عطیه منات یا امید که منات آن را ببخشد یا عوض آن را بدهد، از خصایص خدایانوان در جوامع کشاورزی است و نشان می‌دهد که برکت و باروری محصولات و گیاهان در نزد مردمان این جوامع، بسیار اهمیت دارد. بنابراین، قدمت و

۱. Hawting.

۲. Hawting, The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History, P. 142.

۳. Montgomery Watt.

۴. See: Watt, Pre Islamic Arabian Religion , Islamic Studies, V.15.Pp. 77- 78.

دیرینه منات و گسترش آن با نام‌های ترکیبی مختلف، از جامعه مرتبط با او، شرایط اقلیمی آن منطقه و کارکردهای این الهه در میان مردمان این نواحی خبر می‌دهد.^۱

علاوه بر تمامی موارد بالا، منات در کتیبه‌های ثمودی و برخی کتیبه‌های نبطی، با نام

st slm و به معنای خدایانوی صلح^۲ گزارش می‌شود.^۳

۳-۴. دیرینه تقدیس منات و خاستگاه او

کتیبه‌ای مربوط به منطقه حجر^۴ که نام منات در آن بیان می‌شود، مربوط به قرن اول پیش از میلاد است.^۵ بر اساس کتیبه‌های پالمیر^۶، تقدیس الهه منات در این منطقه، در قرن اول پیش از میلاد رواج داشته است^۷؛ اما در کتیبه‌های مربوط به عربستان جنوبی، قدمت منات به قرن پنجم پیش از میلاد می‌رسد.^۸ برخی دیگر از منابع، دیرینه پرستش

۱. Watt, Pre Islamic Arabian Religion , Islamic Studies, V.15. P.78.

۲. the Lady of Peace.

۳. See: Fahd, Manat . Encyclopaedia of Islam. V. 6, Pp. 373.

۴. Hejr (یکی از جنوبی ترین شهرهای نبطیان است که در منطقه اعراب شمالی واقع شده است)

۵. Cooke, A Text- Book of North- Semitic Inscriptions, Pp. 5-6 & P. 79.

۶. در پی تنزل جایگاه پترا، پایتخت نبطی‌ها در قرن اول میلادی، شهر پالمیر دارای اهمیت شد و به یکی از مراکز تجاری مهم در منطقه خاورمیانه قدیم تبدیل گردید. این شهر، در صحرای سوریه واقع شده است؛ جایی که کاروان‌های شرق از چین به غرب در حرکت هستند و جنوب را به شمال وصل می‌کند. بر همین اساس، یک منطقه استراتژیکی بسیار مهم تلقی می‌شود و فراوانی منابع طبیعی، مانند آب بر اهمیت آن می‌افزاید. پالمیر در دوران هلنی‌ها، مرکز فعالیت‌های مهمی بود و با همسایگان خارجی، مانند: روم، یونان، پارت‌ها، دولت اشکانیان، سوریه و فینیقی‌ها ارتباط‌های گسترده‌ای داشت. بیشتر اطلاعات مربوط به پالمیر، از کتیبه‌ها و سکه‌های یافت‌شده از این منطقه، قابل کشف و فهم است؛ برای مطالعه بیشتر، رک:

Randsalu, Who were the daughters of Allah?, P. 47.

۷. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.17.

۸. Robin. south Arabia . Encyclopedia of Quran, V.5, P 88.

منات در میان نبطی‌ها را در حدود ۴ الی ۶ قرن پیش از میلاد می‌دانند.^۱ *دائرة المعارف اسلام* در این باره می‌نویسد:

قدمت منات، به زمان پیش از پادشاهی سارگون^۲ (یعنی ۲۳۳۴ - ۲۲۷۹ پیش از میلاد) می‌رسد که در آن دوران، الهه منات با نام منوتوم^۳ مشهور بود.^۴

در این صورت، می‌توان دیرینه منات را تا هزاره سوم پیش از میلاد تقریب زد. ویننت، از میان کتیبه‌های نبطی نتیجه می‌گیرد که تقدیس منات، محدود به حجاز بوده است و او در اصل، خدای بومی این منطقه به شمار می‌آمده است. از نظر ویننت، منات بیشتر با خدای مذکر ذوالشری قرین و جفت بوده است.^۵ نولدکه این را نمی‌پذیرد و بر اساس تعدد نام‌های ترکیبی از منات در دیگر نقاط عربستان، گستردگی تقدیس او را در سرتاسر عربستان می‌داند.^۶ افراد بسیاری با نولدکه هم‌نظر هستند و خاستگاه منات را غیرعربی می‌دانند.^۷

۱. خان، اساطیر العربیه قبل الاسلام، ص ۳۰۹؛ دروزه، *التفسیر الحدیث*، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. Sargon (یکی از پادشاهان باستانی در منطقه اکد، بین النهرین باستان).

۳. Menutum.

۴. See: Fahd, Manat . Encyclopaedia of Islam. V. 6, Pp. 373.

۵. See: Winnet. 1940. P 119.

۶. See: Noldeke, Ancient Arabs . Encyclopedia of Religion and Ethics. V1. P 115.

۷. See: Fahd, Manat . Encyclopaedia of Islam. V. 6, Pp. 373-374; Longdon, The Mythology of all races: Semitic, V.5.P 21.

۵. لات در منابع پیشاقرآنی

یکی دیگر از الهه‌های عربی که در قرآن کریم یاد شده است و در نزد مشرکان به عنوان دختر الله شناخته می‌شد، لات بود.^۱ با مطالعه کتیبه‌ها، الواح، سنگ‌نوشته‌ها، حکاکی‌ها، نقاشی‌ها و تمامی آثار مرتبط با دوران باستان می‌توان تا حدودی از موقعیت و شرایط فرهنگی مربوط به لات آگاه شد.

۵-۱. واژه «لات» در کتیبه‌ها

در بیشتر کتیبه‌های قدیمی، مانند نگاره‌های نبطی و آثار تدمری، منطقه حجر، صالح‌آ، پترا^۲، کتیبه‌های مربوط به منطقه جبل رام^۳ نام لات، چه به صورت ترکیبی و چه به صورت مستقل با صیغه‌های مختلف و متنوعی مانند اللات، اللت و هللت دیده می‌شود.^۴ به عنوان نمونه، لات در کتیبه‌های ثمودی به صیغه «یت» یا «لت» گزارش شده است و در نقش‌ها و نگاره‌های کتیبه‌های صفائی^۵ در جنوب شرقی دمشق، بیش از ۶۰ مرتبه نام لات، به صورت «ل ت»^۶ یا «هل ت»^۷ دیده می‌شود. نولدکه معتقد است نام لات، به صورت هللات^۸ تلفظ می‌شده است که همان لات یا اللات است؛ چون حرف هاء در زبان صفائی، حرف تعریف است.^۹

۱. نجم: ۱۹.

۲. Salkhad (شهری در جنوب سوریه).

۳. Petra (جنوب سوریه).

۴. Mount Rum (شهری شمال غربی خلیج عقبه و اطراف حمص سوریه).

۵. See: Fahd, al-Lāt . Encyclopaedia of Islam. V. 5, Pp. 692; Cooke, Text- Book of North- Semitic Inscriptions, P 222.

۶. Safaie.

۷. LT.

۸. HLT.

۹. Hallat.

۱۰. See: Noldeke, Ancient Arabs . Encyclopedia of Religion and Ethics. VI. P 661.

میشائیل مکدونالد^۱، باستان‌شناس معاصر فرانسوی، بر این باور است که نام لات در میان اعراب شمالی، یکی از مشهورترین اسامی خدایان بوده است که به صورت Lt دیده می‌شود. نام این الهه، هم در اسامی الوهی دیده می‌شود و هم در دعا‌های برجای‌مانده قابل رؤیت است. در هر دو نیز به صورت 'It بیان شده است. نام این الهه، گاهی به صورت ایلات (ilat) و گاهی اللات دیده می‌شود. بر اساس گزارش او، گاهی در یک متن، هردوی این اسامی مشاهده می‌شوند. هم‌چنین، لقب (ه) - الت که به صورت 'It-(h) نوشته می‌شود و به معنای خدایانوست، در کتیبه‌ها دیده می‌شود.^۲

بر اساس عقیده مکدونالد، این الهه در کتیبه‌های آرامی مربوط به قرن پنجم پیش از میلاد به صورت hn-'It بیان شده است.^۳ هم‌چنین هن، مکدونالد در این باره می‌نویسد:

لقب 'It- h که به معنای خدایانو^۴ است (معادل دقیق عربی al-ilat یا

الایلات در کتیبه‌های صفایی) در یک متن نام‌نشره از شمال غربی اردن یافت

شده است که گاهی با اسامی ترکیبی مانند 'It-h-tm که در عربی به صورت

تیم اللات است، دیده می‌شود.^۵

۱. Macdonald.

۲. Macdonald, Reflections on the linguistic map of pre-Islamic Arabia . Arabian archaeology and epigraphy, V.11, P. 49.

۳. Macdonald, Safaitic . Encyclopedia of Islam, V.8. Pp. 761-762.

۴. the goddess.

۵. Macdonald, Reflections on the linguistic map of pre-Islamic Arabia. Arabian archaeology and epigraphy, V.11, P. 74.

در بسیاری از منابع اسلامی متأخر، شهرت و فراوانی تکرار نام لات در کتیبه‌های صفائی بیان می‌شود.^۱ در نگاره‌های مربوط به منطقه حبران^۲ در جنوب سوریه، دو معبد از لات، یکی در منطقه بصری^۳ و دیگری در صالحد^۴ دیده می‌شوند. گویا لات، خدای اصلی این مناطق بوده است.^۵

در منطقه پالمیر هم، پرستش لات وجود داشته است. به طور کلی، چندین خدایان در این منطقه پرستیده می‌شده‌اند؛ اما تنها نام لات در ساختار اسامی این منطقه دیده می‌شود.^۶ بر اساس گزارش تکسیدر از معبد پالمیر و کتیبه‌های آن، اعراب از قرن دوم پیش از میلاد در پالمیر ساکن بودند و قدیمی‌ترین الهه این شهر، لات بوده است. نکسیدر در گزارش خویش، از لات با نام بانوی معبد^۷ یاد می‌کند.

هم‌چنین، او از کتیبه‌ای که قدمت آن به سال ۱۱۵ بعد از میلاد باز می‌گردد، یاد می‌کند و در این باره می‌نویسد:

لات به وسیله یکی از اعراب در قرن اول میلادی به پالمیر آورده شد و از آن پس، معبد این الهه، مرکز مذهبی و سپس تجاری اعراب گردید؛ تا جایی که عامل اتحاد میان ایشان به شمار می‌رفت.^۸

۱. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۲۳۲؛ العزوی، العبادات الفلکیة عند العرب قبل الاسلام، ص ۵۶؛ ضیف، العصر الجاهلی، ص ۱۲۹.

۲. Hebran.

۳. Bosra.

۴. Salkhad.

۵. Littmann, Semitic Inscriptions Pp. IX-93 in Syria, P. 22.

۶. Cooke, A Text- Book of North- Semitic Inscriptions, P.122.

۷. Lady of the temple.

۸. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.53.

بر اساس گزارش در یجورس از این معبد پالمیر، حضور نام این الهه و حکاکی اسم او در کنار سایر خدایان، جایگاه والای این خدایان را به عنوان الهه برتر در این شهر نشان می‌دهد.^۱ افزون بر این، در کتیبه‌های پالمیر، نام‌هایی ترکیبی از این الهه دیده می‌شود.^۲ سایر شواهد باستانی در مورد لات در میان نبطی‌ها از منطقه ددان، حجر و جبل رام به دست می‌آید. در این مناطق، معبدی برای لات ساخته شده بود.^۳ نام تیم لات در میان اعراب شرقی عربستان، از آشنایی مردمان این منطقه با خدایانوی لات خبر می‌دهد.^۴ در عربستان جنوبی به نظر نمی‌رسد که الهه اللات، لاتان^۵ سبایی‌ها و لات (الهه‌های LT, It) که در شمال غربی عربستان و میان عرب‌های خاور نزدیک شناخته شده بود، محور یک آیین سازمان یافته قرار گرفته باشد. تنها نشانه‌های احترام به او در میان اعراب جنوبی، دو تعویذ است. نام این الهه، یک بار با حرف تعریف «ن» آمده است و بار دیگر بدون آن. با توجه به نام‌هایی که با پسوند لات ساخته شده‌اند، به نظر می‌رسد که این الهه در میان قبایل عرب در مرزهای شمالی یمن و پس از آن، در میان اهالی جنوب بسیار محبوب بوده است. قدمت ظهور این گونه اسامی ترکیبی در جوف را می‌توان به قرن دوم پیش از میلاد مربوط دانست.^۶

۱. Drijvers, The religion of Palmyra; Iconography of religions. V.15. P.11.

۲. See: Noldeke, Ancient Arabs . Encyclopedia of Religion and Ethics. V1. P 661.

۳. See: Randsalu, Who were the daughters of Allah?, P. 41.

۴. Hoyland, Arabia and the Arabs: From the Bronze Age to the coming of Islam, P.

25.

۵. Latan.

۶. Robin. south Arabia . Encyclopedia of Quran, V.5, P 88.

۵-۲. کارکرد لات در کتیبه‌ها

در کتیبه‌ها و الواح منطقه بصری^۱ و صالحند^۲، نام لات به صورت کدبانوی محل^۳ و مادر خدایان^۴ تعریف شده است^۵ و با وصف بانوی خانه^۶ دیده می‌شود.^۷ کتیبه‌های پالمیر نشان می‌دهند که لات به عنوان محافظی خانگی یا خدایانوی محل یا خدایانوی خانه پرستیده می‌شده است.^۸

تکسیدر گزارش می‌دهد که الهه لات در پالمیر با نام بلتی^۹ به معنای بانوی من^{۱۰} و بعلتک^{۱۱} که در اصل، فینقی است و به معنای بانوی شما^{۱۲}، مشهور بوده است.^{۱۳} در کتیبه‌های صفائی نیز، از آنجا که عمدتاً متأثر از یونانیان - رومیان بودند، خدایان مذکور در آنها هلنی به نظر می‌رسند.

۱. Bosra.

۲. Salkhad.

۳. The mistress of the place.

۴. The mother of the gods.

۵. See: Winnet. 1940. P 118.

۶. The Lady of the place.

۷. Littmann, Semitic Inscriptions Pp. IX-93 in Syria, P. 22.

۸. Jordan, Encyclopedia of Gods: Dictionary of Gods and Goddesses, P. 13;

ادزارد، قاموس الالهة والاساطير، ص ۱۹۷.

۹. Blty.

۱۰. My Lady.

۱۱. b'ltk.

۱۲. Your Lady.

۱۳. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.57.

به عنوان نمونه، لات که در این منطقه، مشهورترین خدایانو بود، با الهه‌هایی مانند: استارته، آفرودیت و آتنا یکسان و متناظر به نظر می‌آید.^۱ قدمت این کتیبه‌ها، به قرن اول میلادی باز می‌گردد.^۲ مطالعه کتیبه‌های صفائی نشان می‌دهند که لات برای مردمان این مناطق، علاوه بر خصایص الوهی، آسودگی و آرامش روان به همراه داشته است؛ چون افزون بر بهره‌مندی از نیروهای معنوی او، مردمان منطقه برای ایمنی از حوادث گوناگون به حرم او پناه می‌بردند. مسافران، حرم و خانه او را برای آب‌وهوای خوب و ایمنی از خطرات مختلف می‌پسندیدند. به همین دلیل، حرم او به عنوان استراحتگاهی میان راهی مشهور بود.^۳

خدایانوی لات، در کتیبه‌های آشوری با عنوان خدایانوی محل و ملکه جهان زیرین، یعنی مرگ توصیف می‌گردد.^۴ هم‌چنین، در میان قبیله ثقیف با لقب خانم، کدبانو یا معشوقه^۵ خوانده می‌شد.^۶

بر اساس گزارش خلیل حتی، شهر پترا کعبه‌ای داشت که در آن ذوالشری در قالب یک مستطیل سنگی مشکی تقدیس می‌شد و جفت او هم لات بود.^۷ به احتمال زیاد، لات در این منطقه به عنوان مادر — باکره^۸ تقدیس می‌شد و یا به عنوان مادر خدایان، به طور

۱. See: Randsalu, Who were the daughters of Allah?, P. 23.

۲. Ibid.

۳. See: Hoyland. Robert G. Arabia and the Arabs: From the Bronze Age to the coming of Islam, P. 207.

۴. Muss- Arnolt. W.A concise Dictionary of Assyrian Language, V. 1; Pp. 51-52.

۵. Mistress.

۶. See: Noldeke, Ancient Arabs . Encyclopedia of Religion and Ethics. V1. P 661.

۷. Hitti, History of the Arabs, P. 72.

۸. Virgin- mother.

خاص، مادر ذوالشری، پرستش می‌گردید.^۱ رابرتسون اسمیت که حامی این نظریه است، در این باره می‌گوید:

مفهوم مادر — خدایان، قدیمی‌ترین شکل از دین سامی است و به زمانی باز

می‌گردد که چندشوهری و پادشاهی زنان رواج داشت.^۲

ویننت، وجود مادر — باکره^۳ را در پترا انکار نمی‌کند؛ اما معتقد است نام این الهه، کعبه^۴ بوده است؛ نه لات. ویننت، معتقد است که احتمالاً رابرتسون اسمیت این دو خدایان را یکسان تصور کرده است؛ در حالی که هیچ مستند و مؤیدی برای تأیید آن وجود ندارد.^۵

۳-۵. دیرینه تقدیس لات و خاستگاه او

بیشتر محققان معتقدند که هویت و خاستگاه اصلی لات، از عرب نیست و از سوی شمال به وسیله قافله‌های تجاری و افراد مهاجر یا مسافر، به جزیره‌العرب وارد شده است.^۶ درباره این که کدام منطقه از سرزمین اعراب، برای نخستین بار به پرستش لات پرداختند، اختلافی اندک دیده می‌شود. در این میان، آنچه شواهد بیشتری دارد، آن است که خاستگاه اولیه و موطن عربی این خدایان، سوریه قدیم است.

از نظر ویننت، مؤید این امر، ارجاعات متعدد به لات در کتیبه‌های صفائی در منطقه سوریه است که نسبت به ارجاعات موجود در سایر کتیبه‌ها به این خدایان، از فراوانی و

۱. Randsalu, Who were the daughters of Allah?, P. 40.

۲. Smith, The religion of the Semites, Pp. 56-58.

۳. Virgin- mother.

۴. Kaaba.

۵. See: Winnet. 1940. P 123.

۶. See: Winnet. 1940. P 140;

علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۳؛ حوت، باورها و اسطوره‌های عرب پیش از اسلام، ص ۹۳.

تنوع بیشتری برخوردار است.^۱ تکسیدر بر اساس کتیبه‌هایی که در منطقه صالح‌خد، شهری در جنوب سوریه، یافت شده است و نام لات در آنها دیده می‌شود، حدس می‌زند که این الهه، یعنی لات، الهه‌ای وارداتی به این منطقه است.^۲

فراوانی اسامی مشتق از لات در منطقه پالمیر واقع در شمال سوریه، و منطقه پترا در جنوب سوریه، قابل توجه است.^۳ بنابراین، بسیار احتمال دارد که خدایانوی لات، از این محل به حوران^۴ و سپس، سایر مناطق مانند: نبط، سیناء، لحيان، حجاز، صالح‌خد و تدمر رفته باشد. بر اساس پاره‌ای منابع، اعراب جنوبی در منطقه حوران، با این خدایان آشنا شدند و آن را به یمن و سایر مناطق جنوبی بردند.^۵

بر همین اساس، حوزه تقدیس او، فقط در طائف و قبیله ثقیف نبود؛ بلکه، این خدایان در بسیاری از مناطق جزیره‌العرب به عنوان معبود پرستیده می‌شد و قبایل مختلف، اسامی ترکیبی بسیاری را از او برای خویش وضع نمودند. بر اساس گزارش رندسالو، قدمت کتیبه‌های صفائی که در آنها لات، مشهورترین خدایان به نظر می‌رسد، به قرن اول میلادی باز می‌گردد.^۶

طبق گزارش تکسیدر بر اساس کتیبه‌های منطقه صالح‌خد، زمان تقدیس این الهه به حدود سال ۵۶ بعد از میلاد مربوط می‌شود.^۷ باستان‌شناسانی مانند: تکسیدر، احمد جلاّد و

۱. See: Winnet. 1940. P 122.

۲. Salkhad.

۳. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.57.

۴. حوت، باورها و اسطوره‌های عرب پیش از اسلام، ص ۹۳.

۵. Hauran (شهری در جنوب سوریه).

۶. Littmann, Semitic Inscriptions Pp. IX-93 in Syria, P. 42;

علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۱، ص ۲۳۳.

۷. Randsalu, Who were the daughters of Allah?, P. 23.

۸. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.56.

کریستین روبین، قدمت این الهه را در مناطق مختلف شبه‌جزیره، قرن دوم پیش از میلاد تقریب می‌زنند^۱؛ اما مکدونالد، قدمت این الهه را در کتیبه‌های آرامی مربوط به قرن پنجم پیش از میلاد می‌داند.^۲

مؤید او گزارش هرودت^۳، نخستین تاریخ‌نگار یونانی‌زبان است که از تقدیس الهه لات در میان اعراب زمان خویش خبر می‌دهد. با توجه به زمان زیست هرودت که حوالی قرن پنجم پیش از میلاد است، دیرینه تقدیس الهه لات را می‌توان به همین زمان باز گرداند.

۶. عزى در منابع پیشاقرآنی

عزى، دیگر خدای مورد تقدیس مشرکان است^۴ که شواهد حضور او در منابع و کتیبه‌های باستانی مناطق مختلف شمال و جنوب، قابل پیگیری است.

۶-۱. واژه «عزى» در کتیبه‌ها

بر اساس تحقیقات باستان‌شناسان معاصر، نام عزى و ترکیبات آن، در میان کتیبه‌های مناطق شمالی و جنوبی عربستان قابل مشاهده است. باستان‌شناسانی چون جان هیل^۵ و پیتر آلپاس^۶ که هر دو کتابی با عنوان دین نبطی‌ها دارند، گزارش می‌دهند که نام عزى در کتیبه‌های منطقه: جبل رام، پترا، سیناء و بصرا دیده می‌شود.^۷

۱. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.53; Robin. south Arabia. Encyclopedia of Quran, V.5, P. 88; Al-Jallad, The One God in a Safaitic Inscription.

۲. Macdonald, Safaitic . Encyclopedia of Islam, V.8. Pp. 761-762.

۳. Herodotus.

۴. نجم: ۱۹.

۵. Healey.

۶. Alpass

۷. Healey, The Religion of the Nabataeans: A Conspectus, Pp. 115- 119.

بر اساس گزارش هیلی، در برخی از این کتیبه‌ها عزی با عنوان الهه بصری^۱ معرفی می‌شود و درباره او می‌نوشتند:

برای عزی، الهه بصری.^۲

هیلی معتقد است که این الهه از پترا به بصری، آن هم به سبب مسائل سیاسی در دوران‌های متأخر منتقل شده است.^۳ برخی دیگر از کتیبه‌ها، مانند کتیبه مربوط به وادی السیاق^۴ درباره برده او این‌گونه سخن می‌گویند:

درود بر هانیات^۵، برده الهه عزی.^۶

هم‌چنین در کتیبه‌ها، نام این الهه بر اساس ریشه، یعنی به صورت حروف مجزا و هجی به کار رفته است؛ به عنوان نمونه، در کتیبه‌های منطقه لحيان به صورت hn-'zy، در نبط به شکل 'l-'z' به همراه فرم آرامی 'zy' و در میان اعراب جنوبی به صورت 'zyn' دیده می‌شود. در کتیبه‌های ثمودیک نیز به صورت tm-l-'zy یا tym-'zy دیده می‌شود.^۷

۱. Bosra.

۲. for al-Uzza, goddess of Bosra; Healey, The Religion of the Nabataeans: A Conspectus, P. 115; Alpass. The Religious Life of Nabataea, P. 192.

۳. Healey, The Religion of the Nabataeans: A Conspectus, P. 115.

۴. es-Siyyagh.

۵. Hn't or Hani'at.

۶. Healey, The Religion of the Nabataeans: A Conspectus, Pp. 115; Alpass. The Religious Life of Nabataea, P. 74.

۷. See: Macdonald and Nehmé, al-'Uzzā, Encyclopedia of Islam, V. x, P. 967; Wellhausen, Reste arabischen Heidentums, P.39; Lurker. The Routledge Dictionary of Gods and Goddesses, Devils and Demons, P. 193.

هم‌چنین، شواهد متعددی به شهرت عزری در منطقه سیناء اشاره دارند. دو متن سینائی به پرده‌دار عزری اشاره می‌کنند که درست‌نویسی نام او به صورت 'zy khn کمی مبهم است. هم‌چنین در این کتیبه، شخصی سینایی هم دیده می‌شود با نام عبدالعزری که نامی دینی است.^۱ هیلی در انتها، بر اساس شواهد و کتیبه‌های عربستان شمالی، حدس می‌زند که عزری در پترا مشهور نبوده است؛ زیرا نام او، تنها در یک کتیبه دیده می‌شود که آن هم در یک محل دورافتاده و نامعمول واقع شده است. او از عدم مشاهده نام عزری در کتیبه‌های منطقه حجر یاد می‌کند؛ آن هم در حالی که اسامی سایر خدایان در این کتیبه‌ها بسیار دیده می‌شوند.^۲ هیلی در نهایت، بنا بر نقل از مکدونالد باستان‌شناس اضافه می‌کند که نام عزری در کتیبه‌های منطقه صفائیک، تنها در قالب «ه ع ز ی»^۳ و به صورت اسامی افرادی با نام‌های دینی دیده می‌شود؛^۴ اما در لحيان بر اساس گزارش‌های استارکی^۵، در یک کتیبه از منطقه روافه^۶ به صورت 'zy' pkl، یعنی افکال، کشیش عزری^۷

دیده می‌شود.^۸

ویننت، بر اساس شواهد عینی معتقد است که در جبل رام، عزری الهه اصلی بوده است.^۹ در منطقه پالمیر، برخی باستان‌شناسان مانند تکسیدر، شک دارند که عزری در این منطقه شناخته شده باشد؛ زیرا از نظر ایشان، دیرینه تقدیس این الهه، بسیار

۱. Healey, *The Religion of the Nabataeans: A Conspectus*, Pp. 116.

۲. Healey, *The Religion of the Nabataeans: A Conspectus*, Pp. 117.

۳. H'zy.

۴. Macdonald, *Safaitic*. *Encyclopedia of Islam*, V.8. Pp. 761.

۵. Starcky.

۶. Ruwafah.

منطقه‌ای در شمال شرقی الحجر و جنوب غربی شهر تبوک. این شهر، معبدی به نام معبد روافه دارد که قدمت آن به قرن دوم میلادی باز می‌گردد و معبدی نبطی - یونانی شمرده می‌شود. اندکی از بقایای آن، هنوز باقی است.

۷. afkal-priest of (al-)Uzza.

افکال، به معنای کاهن یا کشیش است.

۸. Healey, *The Religion of the Nabataeans: A Conspectus*, P. 117.

۹. See: Winnet. 1940. P 112.

متأخر و جدید بوده است و بعید به نظر می‌رسد که برای اعراب منطقه پالمیر شناخته شده باشد.^۱

بر مبنای رأی تکسیدر، پیش از رواج تقدیس این الهه در میان اعراب شمالی، قبایل عرب صحرائشین در پالمیر، جدا از سایر اعراب شمالی می‌زیستند و به سبب زندگی بیابانی، بعید به نظر می‌آید که با این الهه آشنا بوده باشند.^۲ در حقیقت، این‌گونه به نظر می‌رسد که تکسیدر با این پیش‌فرض، نظریه خویش را مطرح می‌کند که الهه عزى، جوان‌ترین و متأخرترین الهه‌ها بوده است؛ چنان‌که کلبی در *الاصنام*، چنین فرضیه‌ای دارد.^۳

درباره مناطق جنوبی عربستان و یادکرد عزى در کتیبه‌های این منطقه، می‌توان به تحقیقات روبن^۴ اشاره کرد. او معتقد است که عزى یا عزّیان^۵ سبأیی، تنها خدای عربی بوده است که آیین آن به همراه ذوالسماوی، در تمام عربستان جنوبی رایج بوده است.^۶ روبن در این باره می‌نویسد:

نام عزّیان در چندین کنیه انسانی که با نام خدایان ساخته می‌شوند، یافت شده است که همه مربوط به یک کتیبه هستند. عزّیان به عنوان یک کنیه، نخستین بار در عربستان جنوبی در قرن سوم پیش از میلاد ظاهر شد. این مکان، چندان از نجران، منطقه‌ای که قبایل عربی شمالی در آن ساکن بودند، دور نبود. نخستین علامت یک آیین یا پیش‌کش به این الهه در یک مکان مقدس، در قتبان^۷

۱. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.17.

۲. Teixidor, The Pantheon of Palmyra. P.17.

۳. کلبی، *الاصنام*، ص ۱۷-۱۹.

۴. Christian Julien Robin.

۵. 'Uzzayan.

۶. Robin. south Arabia . Encyclopedia of Quran, V.5, P 88.

۷. Qataban (شهری در جنوب دولت معین و شمال حضرموت).

و مربوط به قرن دوم پیش از میلاد دیده می‌شود.^۱

۶-۲. کارکرد عزی در کتیبه‌ها

کریستین روبن گزارش می‌دهد که مدارکی درباره عزی در دوازده متن باستانی وجود دارد. پنج عدد از این اسناد، پیش‌کش‌های یکی از معابد را معرفی می‌کنند؛ دو تا، روی تعویذها هستند که از این الهه برای محافظت استعانت می‌طلبند و در سه مورد، از عزی به عنوان خدای حافظ کاخ سلطنتی قتبان یاد شده است.^۲

برخی دیگر از باستان‌شناسان، بر اساس همتایی و همانندی الهه عزی با خدای مذکر عزیزو^۳ که در کتیبه‌های پالمیر دیده می‌شود یا عزیزوس^۴ که خدایی یونانی است، عزی را خدایانوی قدرت معرفی می‌کنند.^۵ در یجوس در این باره می‌نویسد:

عزیزوس، صورت مردانه خدایی است که الهه عزی، جنبه زنانه او را شکل

می‌دهد. هر دوی این خدایان، بعد جنگی ستاره عربی ونوس را نمایان می‌سازند.^۶

رندسالو، در تبیین نظر در یجورس بیان می‌دارد که تقسیم‌بندی در یجورس از الهه عزی به عنوان جنبه جسمانی سیاره ونوس، بر مبنای این پیش‌فرض اوست که ونوس، حامی و نگهبان خورشید است. بر این مبنای، عزی الهه‌ای جنگی است که کارکرد آن، رهبری و حمایت کاروان‌ها و مسافران در بیابان‌ها و صحراها بوده است و در آسمان، خورشید را

۱. Robin. south Arabia . Encyclopedia of Quran, V.5, P 88.

۲. Robin. south Arabia . Encyclopedia of Quran, V.5, P 88.

۳. Azizo.

۴. Azizos.

۵. See: Healey, The Religion of the Nabataeans: A Conspectus, P. 114.

۶. Drijvers, Cults and beliefs at Edessa. P. 161.

هدایت و نگهداری می کرده است. این کارکرد حمایت‌گرایانه و حفاظتی او در برخی از زمان‌هایی که عزری در قالب سوگند و دعا خوانده می‌شد، آشکار می‌شود.^۱

۳-۶. دیرینه تقدیس عزری و خاستگاه او

در مورد دیرینه زمانی تقدیس عزری، شواهد مختلف، زمانی را قبل از قرن سوم پیش از میلاد نشان می‌دهند. بر اساس گزارشی که روبن از مناطق جنوبی عربستان و یادکرد الهه عزری در کتیبه‌های این منطقه ارائه کرده است، می‌توان این امر را برآورد نمود. او در این باره می‌نویسد:

عزریان به عنوان یک کنیه، نخستین بار در عربستان جنوبی در قرن سوم

پیش از میلاد ظاهر شد.^۲

هیلی بر اساس کتیبه‌های نبطی در این باره می‌نویسد:

دیرینه تقدیس عزری در میان مردمان نبط، به حوالی تولد مسیح و در نهایت،

قرن اول میلادی باز می‌گردد.

هم‌چنین، هیلی^۳ می‌نویسد:

در بافت نبطی‌ها، یک هدیه دو زبانی به نبطی - یونانی یافت می‌شود که مربوط به سال هجدم حکومت حارث چهارم^۴ است.^۵ حارث چهارم، یکی از پادشاهان

۱. See: Randsalu, Who were the daughters of Allah ?, P. 60.

۲. Robin. south Arabia . Encyclopedia of Quran, V.5, P 88.

۳. Healey.

۴. Aretas IV.

۵. Healey, The Religion of the Nabataeans: A Conspectus, Pp. 117.

نبطی بود که در حدود قرن ۹ پیش از میلاد تا ۴۰ میلادی حکومت می‌کرد. بدین ترتیب، از نظر هیلی، دیرینه تقدیس عزی به همین حوالی زمانی باز می‌گردد. همچنین، دائرة المعارف اسلامی تقدیس عزی را با قرون اولیه بعد از میلاد مرتبط می‌داند.^۱

بر اساس تحقیق نولدکه در قدیمی‌ترین کتیبه‌های شبه‌جزیره که مربوط به قرن دوم میلادی هستند، نام عبدالعزی دیده می‌شود.^۲ نولدکه در این باره می‌نویسد:

در برخی کتیبه‌های سنائی که مرتبط با قرن دوم میلادی است، اشاره‌هایی به

پرده‌دار عزی دیده می‌شود.^۳

بر اساس برخی دیگر از منابع، تقدیس عزی در میان مردمان حیره در جنوب کوفه و بنی‌لخم^۴ در شمال شرقی عربستان در قرن دوم میلادی رواج داشته است. بر مبنای رأی این گروه از محققان، تقدیس عزی از این منطقه، کم‌کم به مناطق جنوبی راه یافته است.^۵ بر اساس گزارش ویننت، در چهار کتیبه مربوط به منطقه سنائی‌ها در جنوب عربستان، نام عزی به صورت عزیزان^۶، دیده می‌شود. این کتیبه‌ها مربوط به دوره همدانیان^۷، یعنی حدود سال ۲۵۰ بعد از میلاد مسیح است.^۸

۱. Macdonald and Nehmé, al-'Uzzā , Encyclopedia of Islam, V. x, P. 968.

۲. See: Noldeke, Ancient Arabs . Encyclopedia of Religion and Ethics. V1. P 660.

۳. See: Noldeke, Ancient Arabs . Encyclopedia of Religion and Ethics. V1. P 660.

۴. Bani Lakhm.

۵. See: D.newby, Gordon. Aconcise Encyclopedia of Islam, P 210.

۶. 'Uzzayan.

۷. یکی از شاخه‌های قبایل یمنی در جنوب عربستان.

۸. See: Winnet. 1940. P. 114- 115.

با توجه به توضیحات بالا، نمی‌توان به طور دقیق، خاستگاه عربی الهه عزى را مشخص کرد؛ اما می‌توان مطابق شواهد عینی و آثار باستانی، به طور تقریبی، آن را در میان اعراب شمالی دانست و دیرینه‌زمانی آن را در هزاره دوم میلادی احتمال داد.

۷. نتیجه

در این پژوهش، کوشیدیم جایگاه و موقعیت هریک از اسامی: منات، لات و عزى را در میان اعراب جاهلی به بحث بگذاریم و با کمک منابع باستانی و شواهد عینی برجای‌مانده از عربستان باستان، ماهیت، کارکرد و خاستگاه تقدیس آنها را بررسی کنیم. مشاهده شد که از چگونگی انعکاس نام‌های: منات، لات و عزى در کتیبه‌ها و شواهد باستانی می‌توان دریافت که هریک از این اسامی، به عنوان یک خدای مؤنث در میان اعراب جاهلی مشهور و معروف بوده‌اند.

هم‌چنین، بر اساس شواهد این نوشتار، می‌توان دریافت که این اسامی، ماهیت و خاستگاهی انتزاعی، الوهی و قدسی در نزد اعراب داشته‌اند. یادکرد نام ایشان در قالب صفات و القابی مانند: کدبانو، خدبانو، بانوی من، معشوقه و خانم، مؤید این امر است. این در حالی است که در قرآن کریم، چنین ماهیتی به‌روشنی دیده نمی‌شود و تنها می‌توان ردپای چنین خصلت‌های انتزاعی را پیگیری نمود.

هم‌چنین، دیدیم که این سه نام در سراسر عربستان، همراه با نام‌های ترکیبی مانند: زید لات، تیم منات و عبدالعزى شیوع و گسترده‌گی فراوان داشته‌اند. این امر، اعتبار و جایگاه والای این خدایگان را در میان اعراب آشکار می‌سازد و از گستره تقدیس و تنزیه ایشان در سراسر شبه‌جزیره عربستان خبر می‌دهد. بنابراین، تقدیس منات، لات و عزى، تنها منحصر به مناطق خاصی نبوده است و آنها در میان تمامی اعراب، مقدس و مورد احترام بوده‌اند.

در این پژوهش، نشان دادیم که این الهه‌ها دارای موطنی عربی در حوالی مکه، سیناء، ددان و سوریه بوده‌اند و از آنجا به سایر مناطق شبه‌جزیره، مانند نواحی جنوبی گسیل شده‌اند؛ اما دیرینه معنوی ایشان، بسیار فراتر از مرزهای عربی است و به هزاره‌های پیش‌تر باز می‌گردد که خدابانوان در مناطق مختلف جهان، مانند: بین‌النهرین، روم و یونان، دارای اهمیت بودند و تقدیس و پرستش می‌گردیدند. می‌توان تجارت اعراب با مردمان اقوام مجاور را معبری برای ورود و نفوذ این الهه‌ها در شبه‌جزیره عربستان دانست.

چنان‌که دیدیم، مطالعه القاب و توصیفات این خدابانوان در کتیبه‌ها و شواهد عینی نشان داد که این الهه‌ها بیشتر دارای کارکردهایی مانند: تقدیر و سرنوشت (الهه منات)، باروری و زایش (الهه لات) و قدرت و جنگاوری (الهه عزی) بوده‌اند. البته در خصوص هریک از این کارکردها، دیدگاه‌های مختلفی مشاهده می‌شود و از ابعاد گوناگون، می‌توان آنها را تحلیل و بررسی کرد؛ ولی به‌رحال، وجود چنین کارکردهایی در شواهد عینی و منابع پیشاقرآنی، قابل توجه است و نمی‌توان به‌سادگی از آنها عبور کرد.

در مجموع، یافته‌ها و نتایج این نوشتار، معیاری برای ارزیابی منابع متقدم اسلامی شناخته می‌شوند و می‌توان به تطبیق و مقایسه آنها با تفاسیر و آثار صحابه و تابعان پرداخت.

منابع

۱. ادزارد، د و بوب، م.ه و رولینغ، ف، قاموس الالهة والاساطير، تعريب محمد وحيد خياطه، بيروت: دارالشرق العربي، بی تا.
۲. حوت، محمود سليم، باورها و اسطوره‌های عرب پیش از اسلام، ترجمه منیره عبداللهی و حسین کیانی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۰.
۳. خان، عبدالعیدخان، اساطیر العربیة قبل الاسلام، قاهره: مطبعة لجنة التألیف، ۱۹۳۷م.
۴. حنّی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه، ۱۳۴۴.
۵. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحديث، قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳هـ.ق.
۶. ضیف، شوقی، العصر الجاهلی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۷. عزاوی، ادهام حسن، العبادات الفلکیة عند العرب قبل الاسلام، عمان: دار غیداء، ۱۴۳۶.
۸. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، الطبعة الرابعة، بی جا: دارالساقی، ۱۴۲۲هـ.ق.
۹. _____، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بی جا: دارالساقی، ۲۰۰۱م.
۱۰. عهد عتیقی، انجمن پخش کتب مقدس در میان ملل.
۱۱. کلبی، هشام بن محمد، الاصنام، تحقیق احمد زکی باشا، الطبعة الرابعة، القاهرة: دارالکتب المصریة، ۲۰۰۰م.
۱۲. محققان، زهرا، «الف، کهن الگویی وصلت مینوی در قرآن کریم»، نقد ادبی، سال دوازدهم، ۱۳۹۸، شماره ۴۵.
۱۳. _____، «ب، تحلیل کهن الگویی رؤیای حضرت یوسف(ع) پایه نمادها و اسطوره‌های اقوام سامی»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال بیست و پنجم، ۱۳۹۸، شماره ۶۵.
۱۴. _____، «پ، بنات الله و چالش ارزش گذاری جنسیتی ایشان در قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، سال سیزدهم، ۱۳۹۸، شماره اول (پیاپی ۲۵).
۱۵. مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۳.

16. Al-Azmeh, Aziz. *The emergence of Islam in late antiquity: Allah and his people*. Cambridge: University Press. 2014.

17. Al-Jallad, Ahmad. *The One God in a Safaitic Inscription*. The Ohio State University. 2019.
18. Alpass. Peter. *The Religious Life of Nabataea*. Leyden: Brill. 2013.
19. Alzoubi, Mahdi. al Masri, Eyad and al Ajlouny, Fardous. Woman in The Nabataean Society . *Journal of Mediterranean Archaeology and Archaeometry*. V. 13, No 1, pp.153-160. 2012.
20. Christides, Vassilios. *Religious Syncretism in the Near East: Allāt-Athena in Palmyra. Collectanea Christiana Orientalia I*. pp. 65–81, 2003.
21. Cooke, M.A. *A Text- Book of North- Semitic Inscriptions*. Oxford: Clarendon Press. 1903.
22. D.newby, Gordon. *A concise Encyclopedia of Islam*, England: OneWorld. 2002.
23. Drijvers, H.J.W. *The religion of Palmyra; Iconography of religions*. Leiden: E.J. Brill. V. 15, 1976.
24. Drijvers, H.J.w. *Cults and beliefs at Edessa*. Leiden: E. J. Brill. 1980.
25. Fahd, T., al-Lāt . *Encyclopedia of Islam*, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Second Edition. V5. p 692-693, 1986.
26. Fahd, T. Manat . *Encyclopedia of Islam*, Second Edition, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Leiden: E.J. Brill. V. 6. p 374-373, 1991.
27. Hawting. G.R. *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History*. Cambridge: University Press. 1999.
28. Healey, John F. *The Religion of the Nabataeans: A Conspectus. Religions in the Graeco-Roman World*. Boston: Brill. 2001.
29. Hitti, Philip Khuri. *History of the Arabs*, Revised: 10th Edition, Palgrave Macmillan. 2002.
30. Longdon. Stephen Herbert. *The Mythology of all races: Semitic*. New York: Boston. V.5, 1964.
31. Hoyland. Robert G. *Arabia and the Arabs: From the Bronze Age to the coming of Islam*. London and New York: Routledge. 2001.

- 32.J.J.M. Raberts. *The earliest Semitic Pantheon*. Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press. 1972.
- 33.Jordan, Michael. *Encyclopedia of Gods: Dictionary of Gods and Goddesses*, Second Edition, Kyle Cathie Limited, Printed in the United States of America. 2004.
- 34.Julien Robin. Christian. *Encyclopedia of the Quran*. Leiden. Brill. 2001.
- 35.Littmann, Enno. *Semitic Inscriptions : Pp. IX-93 in Syria*. Publications of the Princeton Archaeological Expeditions to Syria (Div. IV, Sect. A, Leyden). pp.1-93, 1913.
- 36.Lurker. Manfred. *The Routledge Dictionary of Gods and Goddesses, Devils and Demons*. New York: Routledge. 3 rd Edition, 2005.
- 37.Macdonald, M.C.A. Safaitic. *Encyclopedia of Islam*, Second Edition, Edited by: C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Leiden: Brill. V.8, Pp.761-762, 1995.
- 38.—, Reflections on the linguistic map of pre-Islamic Arabia . *Journal of Arabian archaeology and epigraphy*. Denmark. V. 11. Pp. 28-79, 2000a.
- 39.Macdonald, M.C.A. and Nehmé, Laila, al-‘Uzzā , *Encyclopedia of Islam*, Second Edition, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Leiden: Brill, V. 10, Pp 967-968, 2000.
- 40.Macdonald. M.C.A. Goddesses, dancing girls or cheerleaders? Perceptions of the divine and the female form in the rock art of pre-Islamic North Arabia, *Journal of Orient & Méditerranée*, Paris: De Boccard. Pp. 261-297, 2012.
- 41.Mohagheghian, Zahra. The Daughters of Allah: Sources and Methods for a Historical Reconstruction, *Journal of International Conference The Qur’an in its Milieu of Origin. Possibilities of the Historical Reconstruction of the Qur’anic Revelation* , Germany: Münster University, 2020 (forthcoming).
- 42.—, The Daughters of Allah in the Muslim traditional material: A comparative and critical study. *Journal of International Conference*

- Qur'anic Studies*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 2020 (forthcoming).
43. Muss- Arnolt. W. *A concise Dictionary of Assyrian Language*, Berlin. 1905.
44. Newby. Gordon Darnell. Baal, *Encyclopedia of Quran*, Edited by: Jane Dammen McAuliffe. Leiden: Brill. 2001.
45. Nöldeke. Theodor. 1908. Ancient Arabs. *Encyclopedia of Religion and Ethics*. Edited by Hastings James, V.1. 670- 659, 1908.
46. Randsalu, Donna, 1988. *Who were the daughters of Allah?*, A Thesis in B.A for the degree of Master of Arts. University of British Columbia. 1988.
47. Robin. Christian Julien. south Arabia. *Encyclopedia of Quran*, Edited by: Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill. 2001. V5. p. 84- 93, 2001.
48. Smith. William Robertson. *The religion of the Semites*. London: Great Brition. Third Edition, 2017.
49. Sperling. S.D. Meni or Fortune. *Dictionary of Deities and Demons in the Bible*. Edited by Karel Van Der Toorn, Bob Becking, Pieter W. Van Der Horst, Second edition. pp.568-566, 1999.
50. Teixidor, Javier. *The Pantheon of Palmyra*. Leiden: Brill. 1979.
51. *The Nabataean Pantheon and their gods in the fifth of a continuing series of articles on the Nabataeans*, by Club member Thomas looks at the subject of the Nabataeans' religious practices and their gods. Issue 215, 2009.
52. Watt. Montgomery. *Pre Islamic Arabian Religion*. Islamic Studies. V.15.p 73-79, 1976.
53. Wellhausen, Julius. *Reste arabischen Heidentums*. Berlin: Druck und Verlag von Georg Reimer. 1897.
54. Winnett, F.v. The Daughters of Allah. *Journal of Muslim World*. Vol. 30: 30-113, 1940.